

خاوران نامه

نسخه خطی و مصور موزه هنرهای ملی

یحیی ذکاء

رئیس موزه مردم شناسی

در آغاز تشکیل موزه هنرهای تریبونی، در میان آثار و اشیایی که از مرحوم عبدالله رحیمی برای موزه خریداری گردید، نسخه خطی و مصور کهنی (اواخر سده نهم هجری) از خاوران نامه بود، که اینک یکی از قطعات و آثار جالب و پرارزش موزه مزبور بشمار می آید. کتاب خاوران نامه یک مثنوی حماسی است که در آن افسانه‌ها و داستانهای خیالی از سفرها و جنگها و دلاوریهای حضرت علی بن ابیطالب (ع) و یارانش مالک اشتر و ابولمجن در سرزمین خاوران، با شاه خاور بنام «قباد» و شاهان بت پرست دیگر بنام «طهماس» شاه و «صلصال» شاه و سپاه دیوان و ازدها بنظم کشیده شده است.

آقای دکتر ذبیح الله صفا در «کتاب حماسه سرایی در ایران» درباره این افسانه‌ها می نویسد: «در باب امام اول شیعیان، میان شیعه تدریجاً داستانهایی پدید آمده که بعضی از آنها مبنی بر حوادث تاریخی یعنی جنگهای او در حیات محمد بن عبدالله صلعم و هنگام خلافت و شجاعتهای وی است منتهی بتدریج عناصر داستانی بر آنها افزوده شده است. برخی دیگر از داستانها بکلی دور از حقیقت تاریخی و افسانه محض است که اندک اندک میان ملت ایران بر اثر اخلاص شدید این قوم نسبت بحضرت علی علیه السلام و در آمدن او در صف پهلوانان ملی، وجود یافت، مانند داستان پهلوانیهای وی در سرزمین خاور که در خاوران نامه می بینیم».

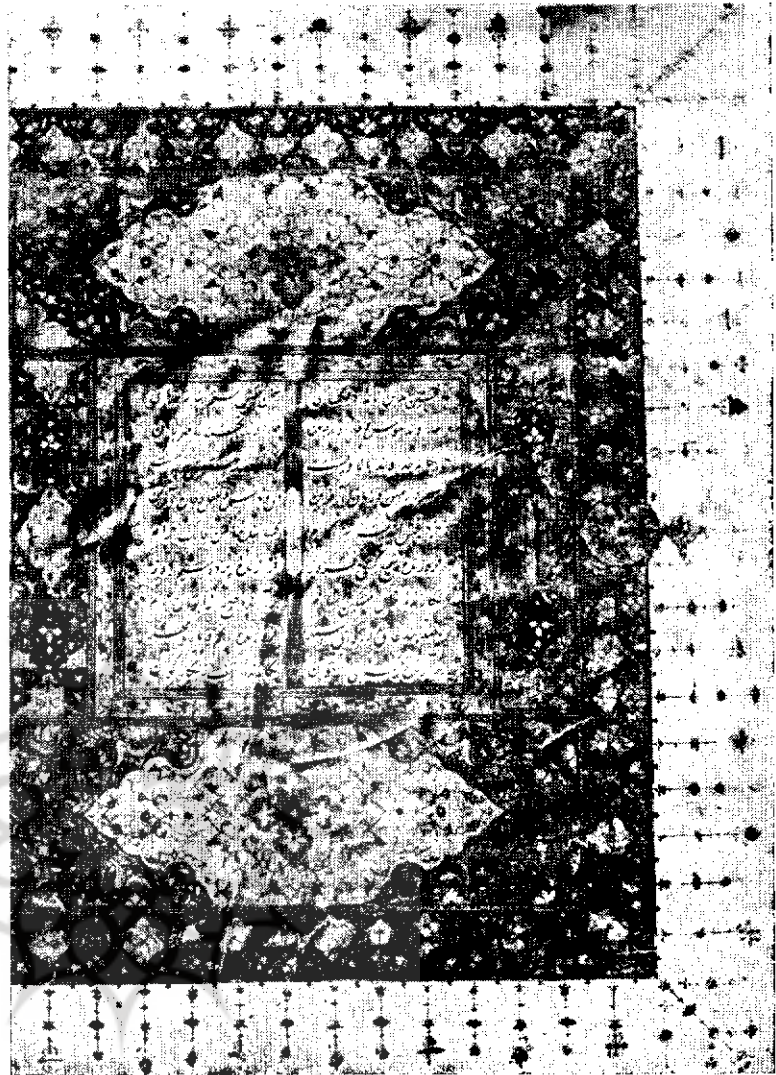
ولی گویا این افسانه‌ها ریشه و اساس کهن ایرانی داشته، سپس تغییراتی بر آنها داده، بحضرت علی (ع) منسوب داشته‌اند و سراینده‌ی مثنوی نیز مدعی است که اصل آن عربی بوده و وی آنرا بشعر فارسی در آورده است:

جو برسال هشصد بیفزود سی شد این نامه‌ی تازیان پارسی

باز در این مورد آقای دکتر صفا معتقدند که «خاصیت بیشتر کتب حماسی (ملی، تاریخی دینی) ایرانیست که لامحاله مبتنی و مستند بر اصلی بوده و سازندگان آنها مستقیماً در جعل روایات و احادیث دخالتی نداشته‌اند».

خاوران نامه در حدود ۲۲۵۰۰ بیت بوزن و تقلید شاهنامه فردوسی سروده شده و چنانکه ابن حسام ناظم آن اشاره کرده است بسال ۸۳۰ هجری قمری نظمش خاتمه یافته و بنا بنوشته محققان آخرین تقلید مهم و قابل ذکری است که از شاهنامه فردوسی بعمل آمده است.

مولانا محمد بن حسام الدین الخوسفی معروف به «ابن حسام» از مردم «خوسف» قهستان خراسان بوده و در همان جا تولد یافته است و خوسف دیهی است که تقریباً در کرانه کویر لوت در حدود مرز خراسان و کرمان واقع شده و اکنون جزو بیرجند و قاینات است.



صفحه‌ی اول خاوران‌نامه -
موزه‌ی هنرهای تریبنی

آقای علی نقی منزوی در کتاب «فرهنگ‌نامه‌های عربی بفارسی» درباره‌ی خاندان ابن حسام می‌نویسد: «از سده هشتم و شاید هفتم تا روزگار صفویان، این خاندان در قهستان شعر و ادب و در عین حال بواعظی و پیشوایی شهرت داشته‌اند و از منظومات ایشان که بیشتر به لهجه عامیانه می‌باشد تشیع و گاهی غلو نمودار است و گویا تحت تأثیر عقاید اسماعیلیان بوده‌اند».

ابن حسام مردی زراعت‌پیشه و کشاورز بوده و در خسوف باقناعت و گوشه‌گیری روزگار بسر برده و بشاعری می‌پرداخته است چنانکه خود در این باره سروده:

بیک قرص جو تا شب از بامگاه قناعت نمایم چو خورشید و ماه
شکم چون بیک نان توان کرد سیر مکش منت سفره‌ی اردشیر

دولت‌شاه سمرقندی در تذکرة الشعراء خود (۸۹۲ ه. ق.) درباره‌ی ابن حسام چنین نوشته است: «ملک الکلام مولانا محمد حسام‌الدین المشهور بابن حسام بغایت خوش‌گوست و با وجود شاعری، صاحب فضل بوده و قناعتی و انقطاعی از خلق داشته. از خسوف است من‌اعمال قهستان و از دهقنت نان حلال حاصل کردی و گاو‌بستی و صباح که بصحرا رفتی تا شام اشعار خود را بردسته بیل نوشتی و بعضی او را ولی حق شمرده‌اند و در منقبت‌گویی در عصر خود نظیر نداشت



علی و یارانش در مسجد . خاوران
نامه - موزهی هنرهای تزیینی
۱۷ × ۲۰/۵ سانتیمتر

وقصاید غرّا دارد و این قصیده در نعت رسول رب العالمین صلعم اوراست که بعضی از آن قلمی می‌شود :

ای رفته آستان تو رضوان بآستین جاروب فرش مسند تو زلف حورعین
توفی این حسام فی شهور سنة خمس و سبعین و ثمانمائه (۸۷۵) من الهجرة النبویّه .
منظومه‌ی حماسی ابن حسام بیشتر بنام «خاورنامه» معروفست ولی خود شاعر آنرا
«خاوران نامه» نامیده و گفته است :

مرا این نامه را «خاوران نامه» نام نهادم که در خاوران شد تمام
آنچه پیداست نسخه‌های خطی خاوران نامه ، چندان زیاد نیست يك نسخه‌ی مصوّر
از آن که بتاريخ ۱۰۹۷ هـ . ق . کتابت شده در موزه‌ی بریتانیا تحت شماره‌ی ۱۹/۷۶۶ Add.
محموظست که بخط نستعلیق درشت نوشته شده و دارای ۳۶۲ ورق مجّذول و ۱۵۶ قطعه مینیاتور
بشیوه‌ی هندیت . کاتب نام خود را «مولچند ملتانی» نوشته و نام کمال‌الدین خان نیز در آن
دیده میشود که گویا نام صاحب اصلی نسخه بوده‌است و از توافق تعداد مجالس نقاشی شده می‌توان
احتمال داد که از روی نسخه‌ی موزمقی هنرهای تزیینی نوشته و مصور شده است .
نسخه‌ی مصور دیگری نیز از خاوران نامه در کتابخانه کلکته درهند نگاهداری میشود

۱- در نسخه‌های دیگر «نهادم بر آنکه که کردم تمام» آمده است . فاضل ارجمند آقای دکتر محمد
جعفر محبوب که در زمینه‌ی داستانها و افسانه‌های شرقی ایرانی مطالعات و تبحر کافی دارند در این مورد معتقدند
که «خاور نامه» نام متن منشور و «خاوران نامه» نام متن منظوم آنست .



قطعه‌ی از نقاشیهای اوایل
خاوران‌نامه - ۲۰/۵ × ۱۹/۵
سانتیمتر

که متأسفانه از خصوصیات نسخه‌ی آن اطلاع کافی در دست نداریم .

اما بهترین نسخه از خاوران‌نامه که تاکنون شناخته شده ، همین نسخه‌ی موزه‌ی هنرهای
تزیینی تهرانست که احتمالاً بسال ۸۵۴ ه . ق . یعنی در حیات شاعر نوشته شده و تقریباً شش سال
پس از مرگ او مصور گشته است .

نسخه‌ی فوق ، پیش از آنکه وارد موزه‌ی هنرهای تزیینی شود ، متأسفانه شیرازه‌اش
از هم گسیخته و قطعاتی از نقاشیهای آن بتملك بعضی مجموعه‌داران خصوصی و کتابخانه‌های
اروپا و امریکا درآمده است که از آنها در بحث راجع بمینیاتورها گفتگو خواهیم کرد .

نسخه‌ی مورد بحث ما که در وضع حاضر تحت شماره‌ی « ۷۵۷۰ » در موزه‌ی هنرهای
تزیینی محفوظ است ، شامل ۶۴۵ ورق کاغذ ختایی (بقطع ۳۸\۵ × ۲۷\۵ سانتیمتر) است گویا
در اصل ۶۸۵ ورق بوده که ورق اول آن تعمیر شده و صفحه اول دارای شمشه‌ی مَدور و مَدَهبیست
که در وسط آن در متن طلایی بقلم ثلث با سفیداب عبارت « کتاب خاورنامه » نوشته شده و صفحه‌های
دوم و سوم دارای سرلوح‌های مَدَهب و جدولهای زرین است و در دو صفحه‌ی دوم و سوم در هر
صفحه بخط نستعلیق متوسط ۱۸ بیت کتابت شده و بین السطور طلاندازی گردیده و مطلب چنین
آغاز یافته است :

نخستین بدین نامه دلگشای سخن نقش بستم بنام خدای

صفحه‌های دیگر کتاب نیز کاملاً جدول‌کشی شده (۲۸\۵ × ۲۰\۵ سانتیمتر) و هر صفحه
بچهار ستون تقسیم گردیده و عنوانها بآب زر نوشته شده است . در بعضی از صفحه‌ها که متأسفانه
شیرازه‌شان از هم گسیخته است جایجا بمناسبت موضوع متن ، نقاشی‌های نسبتاً بزرگی انجام گرفته
که گاهی نصف صفحه‌را پر ساخته است .

شاعر در آخر کتاب در زیر عنوان « گفتار درختم کتاب » سروده است :



کشتن دلدل شیر را . خاوران
نامه - ۲۰/۵ × ۱۶/۵ سانتیمتر

بسر بردم این نامه باستان
معطر شد از وی دماغ سخن
گل و لاله بینی بیستان من
چو فردوس فردوسی از رنگ و بوی
بهشتی بهشت از پی دوستان
بدین روضه خرم و دلگشای
کشیدم بسی نقش بیم و امید
بعنوان رسانیدم این نامه را
که نگذاشتم نامه را تا نبشت
بر نامه‌داران ز من یادگار
شد این نامه تازیان پاری
نهادم که در خاوران شد تمام

که زنده‌ست او را بدین نامه نام
بآرایش رستم افکند بن
که اندیشه از درک آن باز ماند
می صافی من ز جام علی است
ندیدم بجزرنج و خواری و جور
قناعت نمایم بکم توشه‌یسی

پایان رسانیدم این داستان
گل تازه کشتم بیاغ سخن
اگر بگذری بر گلستان من
بهاری چو باغ ارم تازه روی
چو فردوسی آمد درین بوستان
مرا نیز اندیشه شد ره‌نمای
ز مشک سیاه و حریر سپید
بدین نامه آراستم خامه را
سپاس از نگارنده خوب و زشت
پپای آمد این نامه نامدار
چو بر سال هشتصد بیفزود سی
مر این نامه را خاوران نامه نام

نمیرد دل پاک ابن حسام
اگر طوسی از شاهنامه سخن
سخن در بلندی بجایی رساند
ولی نامه من بنام علی است
من آن یوسفم کر عزیزان دور
همه سال و مه روی در گوشه‌ی

بيك قرص جو تا شب از بامگاه
شکم چون بيك نان توان کرد سير
قناعت نمايم چو خورشيد و ماه
مکش منت سفره اردشير
.....
کرم گوئی اندر قهستان نبود
نالا باکه داری تو این گفت و گوی
زبان رانگه دار از این جست و جوی
که دروی بده بود وستان نبود
پس از ایبات فوق در انتهای صفحه ی آخر داخل يك قطعه تذهیب مربع مستطیل وسط
ترنج اسلیمی با سفیداب نوشته شده :

« کتیب خدمة الشریفة المولثویه فی سنة اربع و خمسين وثمانمائه »

و اوراق کتاب با جلد سوخت ساده ی جدول دار از تیماج مشکی مایل بقهوه ای پوشیده شده است .
این نسخه در ابتدا یعنی پیش از متلاشی شدن دارای ۱۵۵ قطعه نقاشی بوده ولی اکنون
تعداد نقاشیهای باقی مانده ی آن فقط به ۱۱۵ قطعه میرسد که ۹۷ قطعه ی آن در آغاز تشکیل
موزه توأم با متن کتاب خریداری شده و ۱۸ قطعه دیگر بکوشش نویسنده ی این گفتار که سابقاً
سمت مدیریت موزه ی مزبور را داشت توسط آقای خلیل رحیمی برادر مرحوم عبدالله رحیمی
در آمریکا از مجموعه داران خصوصی خریداری و بایران عودت داده شده ، به نسخه منضم گشته
است . ولی هنوز ۴۰ قطعه ی دیگر از این مینیاتورها در دست کتابخانه ها و مؤسسات و مجموعه داران
اروپایی و امریکایی بشرح زیر باقی است :

۱ - کتابخانه چستر بیٹی : (Chester Beatty) در دوبلین Dublin (۷ قطعه)

۲ - مجموعه ی خانم و آقای دکتر : Maurice Schulman در Boston

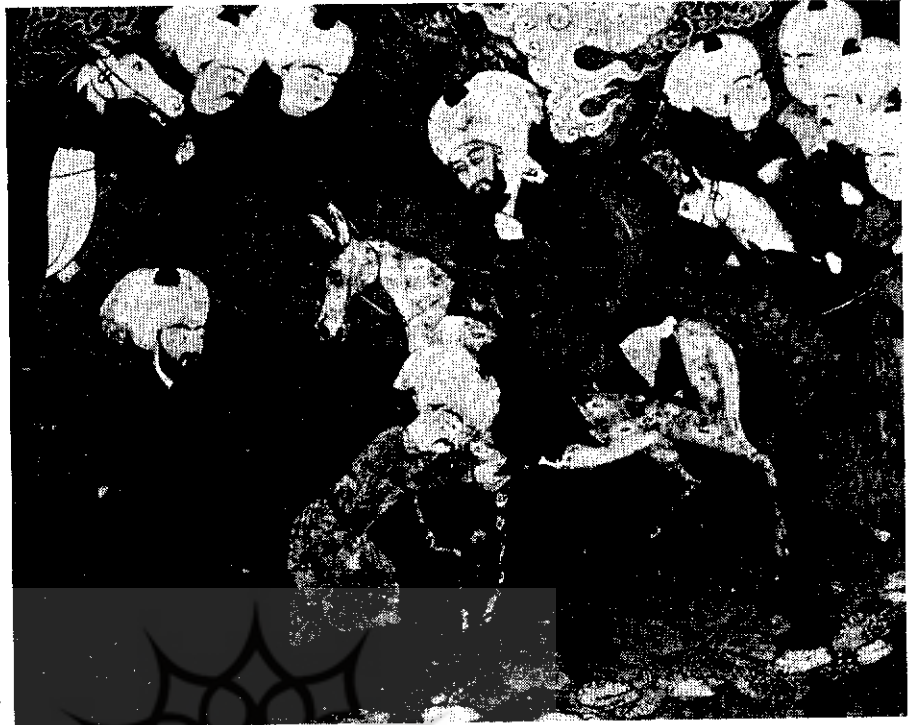


کشتن امیر المؤمنین علی علیه السلام
ازدها را - خاوران نامه -
۱۶/۵ × ۲۰/۵ سانتیمتر

- ۳- مؤسسه‌ی اولسن (Olsen) در Bridgeport
- ۴- مجموعه‌ی آقای Edwin Binney در Brookline
- ۵- موزه‌ی هنرها و مجموعه‌ی خصوصی در Cambridge
- ۶- مجموعه‌ی خانم و آقای دکتر: William P. Wood در Haverford
- ۷- مجموعه‌ی خانم و آقای دکتر: Leland C. Wyman در New York
- ۸- مجموعه‌ی خانم و آقای دکتر: Michael D. Coe و مجموعه‌ی خانم و آقای دکتر W. Kelly Simpson در New Haven
- ۹- مجموعه‌ی خانم و آقای Moses Alpers در Salem
- چون تاریخ کتابت نسخه و مینیاتورهای فوق همزمان با سلطنت ترکمانان آق قویونلو و قره قویونلو در ایرانست و دارای شیوه‌ی معین و مشخصی است از اینرو متخصصان اروپایی، سبک نقاشی‌های آنرا «سبک ترکمان» نامیده‌اند. لیک در مورد محل نشأت و مرکز پیدایش این سبک همه‌ی آنان همداستان نیستند، گروهی همچون «بلوش» Blochet و «کونل» Kühnel آنرا منسوب به هرات، و گروهی همچون «شولز» Schulz و «بینیون» Binyon و «ویلکینسن» Wilkinson و «گری» Gray منسوب به غرب ایران و کسانی همچون «شرودر» Schroeder منسوب به تبریز می‌دانند، ولی «رایینسن» نویسنده فهرست نقاشیهای ایرانی در کتابخانه‌ی «بادلیان» اکسفورد معتقدست که یافتن محل قطعی نشو و نمای این شیوه غیر ممکن است ولی علی‌الظاهر باید از شمال یا از شمال غربی ایران باشد و حتی ممکن است از شیوه‌ی نسبتاً ساده‌ی بعضی از نقاشیهای زمان شاهرخ اخذ و اقتباس شده باشد.



صفحه‌ی آخر خاوران‌نامه -
موزه‌ی هنرهای تزئینی



پابوسی ابوالحسن - خاوران
نامه - ۱۶ × ۲۰/۵ سانتیمتر

آنچه در پیرامون نام و عنوان این شیوه باید بگوییم اینست که اینگونه نام گذاری بر روی آثار و مکتب‌های هنری ایران، چندان صحیح بنظر نمی‌رسد، مثلاً «شیوه‌ی مغولی» که همواره از طرف محققان و تاریخ‌نویسان، در نقاشی‌های ایرانی عنوان می‌شود یک نام جعلی و نادرستی بیش‌نیست زیرا ما می‌دانیم که نه مغولها پیش‌از تاختن بایران، سابقه‌ی در نقاشی داشته‌اند و نه دارای شیوه و سبک معینی بوده‌اند که آنرا در نقاشی ایران نفوذ دهند و نه نقاشان ماهرى داشتند که مبتکر شیوه‌ی نوی در نقاشی گردند، بنابراین «شیوه‌ی مغولی» تنها یک اصطلاح ساختگی و بدعتی است که از طرف هنرشناسان اروپایی در تاریخ نقاشی ایران گذاشته شده‌است و از این قبیل است «شیوه‌ی ترکمان» که برای نقاشی‌های سده‌های هشتم و نهم ایران جعل کرده‌اند. زیرا ترکمانان نیز مانند مغول جز این که در این سرزمین چند سالی فرمانروایی کرده و بعضی از پادشاهانشان نیز مشوق هنرمندان و نقاشان بوده‌اند، کاری در زمینه‌ی نقاشی انجام نداده‌اند که مستلزم آن باشد که نام آنان بر روی شیوه‌های هنری ایران گذاشته شود، همه‌ی این سبکها و شیوه‌های مختلف در نقاشی و هنرهای دیگر، ادامه‌ی هنرهای قدیم و پدیدآورده‌ی خود ایرانیانست که بر اثر مرور زمان و نفوذ شیوه‌های گوناگون از کشورهای همسایه مانند بیزانس و چین و هند و غیره، و ابداع و تفنن‌های استادان کار، تحولات و تغییراتی یافته بصورت‌های مختلف جلوه‌گر گشته است مثلاً برخی از سبکها در مراکز هنری و شهرهای بزرگ و دربارهای پادشاهان مقتدر و ثروتمند پدید آمده، در دست نقاشان ماهر پخته‌شده، ترقی کرده است و برخی شیوه‌های فرعی در ولایات و شهرهای کوچک و دستگاههای حکام و امرا بوجود آمده، خصوصیات محلی خود را حفظ کرده است و بهمین علتست که گاهی در یک زمان چندین شیوه‌ی مختلف بچشم می‌خورد. گاهی نیز ظهور یک نابغه‌ی هنری و تغییر یافتن راه و رسم موجود، باعث می‌گردد که شیوه‌ی جدیدی بوجود آمده، از طرف هنرمندان دیگر تبعیت‌شده، عمومیت یابد. بنابراین در نام گذاری



حضرت علی سوار بر اسب ابلق - خاوران نامه -
در گوشه نقاشی رقم «کمترین بندگان فرهاد»
۸۹۴» دیده میشود



در آمدن علی بداخل چاه وشکستن میل - خاوران نامه . این مینیاتور
رقم « فرهاد » دارد - ۴۰/۵x۱۶ سانتیمتر

این سبکها و شیوهها ، بنظر نویسنده این گفتار ، اگر توجه به عصر وزمان ومحل و استادان کار داشته باشیم واز آنچه که کلی تراست در نام گذاری استعانت جوییم ، بسیار شایسته تر و برازنده تر از گذاشتن نام اقوام وسلسلهها بر روی آثار واشیاء و شیوه های هنری خواهد بود وتاحدی حق پدیدآوردنگان حقیقی این آثار ومبتکران شیوه های هنری نو ، ضایع نخواهد ماند .

بهر حال ، چنانکه گفتیم ، متخصصان نقاشیهای ایرانی ، شیوه های نقاشیهای خاوران نامه را «ترکمانی» نامیده ، آنها را ساخته ی دست هنرمندان شیراز می پندارند .

از نمونه های این شیوه تاکنون چندین نسخه خطی ومصور ، معرفی وشناخته شده است ، از جمله کهنترین نسخه یی که نقاشیهای آن باین شیوه انجام گرفته است شاهنامه یی تاریخی است که اکنون درموزه ی بریتانیاست و متن آن در شش ستون نوشته شده است . یکی دیگر شاهنامه دیوننی مارل Dunimarle مورخ ۸۵۰ ه . ق . است که درمازندران نقاشی شده و دیگر خمسه نظامی که بسال ۸۵۰ ه . ق . در ابرقو پرداخت شده واکنون در کتابخانه دانشگاه پرینستون در امریکاست و دیگر جنگی است مورخ بسال ۸۷۳ ه . ق . که در شیروان (شماخی) مصور گشته است .

ولی مهمترین نسخه از این شیوه ، همین خاوران نامه ی موزه ی هنرهای تزئینی تهرانت که بعلت کثرت مجالس ونقاشیها وتنوع آنها مرجع قابل توجهی برای مطالعه ی خصوصیات این شیوه است . بر اثر ممارست ودقتی که نویسنده ی این گفتار ، در چگونگی یکپایک نقاشیهای این نسخه بعمل آورده است ، چنین گمان می برد که در مصور ساختن صفحات این کتاب ، سه نفر نقاش یا بهتر گوئیم یک استاد ودوشاگرد دست داشته اند واین موضوع کاملاً از مقایسه ی جزئیات صورتها وطرز قلم زنیها ورننگ آمیزیها و صحنه سازیها وترکیب بندیها ، محسوس وهوبد است . در چند قطعه از نقاشیها نیز در گوشه های پایین رقم بسیار ریز و کمرنگی بشکل «کمترین بندگان فرهاد ۸۸۱» و «۸۹۲» نیز دیده می شود که برخلاف پاره یی سوءظن های اظهار شده ، میتوان آنها را درست ودست نخورده دانست ، ودر فاصله ی صدسال ، بین جنید بغدادی (حدود ۷۹۹ ه . ق .) و بهزاد (حدود ۸۹۴ ه . ق .) این تنها مورد ونسخه یی است که دارای رقم نقاش است .

«فرهاد» نقاش معروفی نیست و نویسنده تا آنجا که میسر بود برای شناختن این هنرمند و یافتن نشانی از او بمدارك گوناگون مراجعه کرد ولی هرچه بیشتر جست و جوی یافت. با این همه شکی نیست که از نظر هنری در عصر و شهر خود دارای لیاقت قابل توجهی بوده و برای اثبات همین لیاقت فوق العاده خود بوده است که جرأت بخرج داده بعضی از اثرهای خود را رقم زده است. از مقایسه‌ی قطعات نقاشی کتاب چنین دانسته می‌شود که «فرهاد» بدون تردید دیگر که در مصور ساختن کتاب شرکت داشته‌اند، سمت استادی داشته و در کار خود بنسبت آنها مهارت کافی اندوخته بوده است و در بعضی از قطعات نقاشی نیز، طراحی یا بقول نقاشان ایرانی «هیولا» از او و رنگ آمیزی و ساختن جزئیات از شاگردانست و همچنین در نقاشی بعضی از قطعات، یکنوع بی‌دقتی و سهل انگاری دیده می‌شود که باعث تعجب بیننده می‌گردد و چنین می‌نماید که نقاشان گاهی در ساختن و رنگ آمیزی بعضی مجالس حتی از شاگردان تازه کار خود نیز کمک گرفته‌اند. چنانکه گذشت از «فرهاد»، نام و نشانی در جای دیگر نیست و در کتابهای ایرانی مربوط به هنرمندان و نقاشان نیز ذکری از او بمیان نیآورده‌اند، با این همه نویسنده گمان می‌برد که بعضی یا همه‌ی نقاشیهای نسخه‌ی شاهنامه‌یی که در موزه‌ی بریتانیا تحت شماره‌ی «۱۸۸ و ۱۸ Add.» محفوظ و از نظر تاریخ کتابت (۸۹۱ ه.ق.) کاملاً همزمان با نسخه‌ی مورد بحث ماست، اثر این استاد است ولی جای تعجب است که با همه‌ی هم‌شیوگی و همزمانی و قرابت طرز کار و نوع قلم زنی، و حتی تطابق جزئیات نقوش مجالس این شاهنامه با خاوران نامه، چگونه هیچ يك از متخصصان فن حتی سربازیل گری هم که سمت موزه‌داری قسمت شرقی موزه‌ی بریتانیا را دارد و شاهنامه در اختیار و در دسترس اوست، در بحث راجع باین شیوه حتی بعنوان نمونه و مقایسه هم یادی

حضرت علی سوار بردل در حال جنگ . خاوران نامه . این تصویر
و تصویر بعد توسط دونفر دیگر از نقاشان کشیده شده است

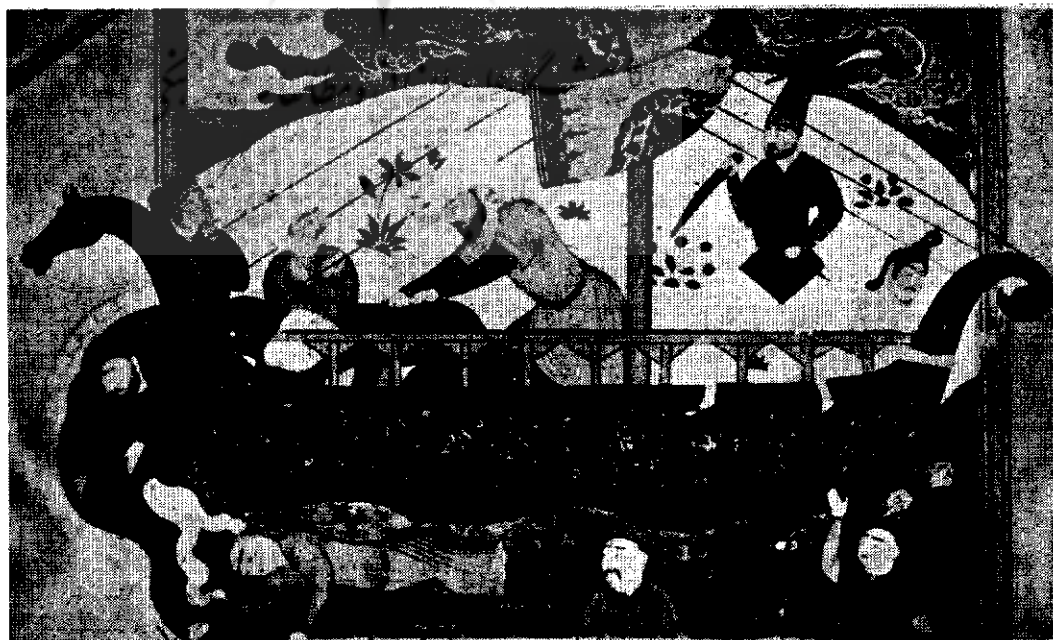
حضرت علی سوار بردل در حال جنگ . خاوران نامه





گیخرو سوار بر کشتی در تعقیب افراسیاب .
 شاهنامه‌ی موزه‌ی بریتانیا (۸۹۱ ه. ق .)
 جزئیات این مینیاتور با تصویر عمروامیته از
 خاوران‌نامه که در موزه‌ی متروپولیتین محفوظ
 است بخصوص از نظر بادبان و کشتی‌بان و صورتها
 قابل مقایسه میباشد .

عمروامیته کافران را بدریا می‌ریزد . خاوران‌نامه ، موزه‌ی متروپولیتین نیویورک
 ۱۶۸۸×۴۷۵ سانتیمتر





ملامت کردن هرمز فرزند خود را - شاهنامه‌ی موزه‌ی بریتانیا



حضرت علی در مهمانی سفیان . خاوران نامه ۱۸ × ۳۰/۵ سانتیمتر

از این نسخه نکرده و ملثفت این قرابت محسوس نگردیده‌اند .
 شاهنامه مزبور بنا بر نوشته ریو در فهرست کتب خطی موزه‌ی بریتانیا ، دارای ۵۰۰ برگ
 بقطع $\frac{3}{4}$ در 13 در $\frac{1}{4}$ اینچ است که در هر صفحه ۲۵ سطر در چهارستون مذهب بقلم نستعلیق
 متوسط نوشته شده و دارای سر لوح‌های طلایی و عنوانهای پرکارست و تاریخ کتابت آن جمادی الثانی
 ۸۹۱ ه.ق. قید شده است . نسخه حاوی ۷۲ قطعه مینیاتور متوسط بشیوه‌ی ایرانی است که در حدود
 نصف صفحه جا گرفته و نام کاتب غیاث‌الدین بن بایزید صراف ذکر شده است .
 نویسنده‌ی این گفتار برخلاف سر بازیل‌گری و دیگران که نقاشیهای خاوران نامه‌ی
 مورد بحث را از هنرمندان شیراز و در شیوه‌ی ترکمان میدانند ، بنا بر چند دلیل ، که متأسفانه
 هنرشناسان فوق توجهی بآنها نکرده‌اند ، آنرا اثر هنرمندان هرات و بشیوه‌ی نقاشیهای اواخر
 سلطنت شاهرخ کورکانی می‌داند .
 دلیل اول آنکه : از نظر موضوع کتاب ، مسلماً در قرن نهم این نسخه در محلی نوشته
 و مصور شده که در آنجا توجه خاصی بمناقب علی بن ابیطالب و معجزات و خوارق عادات وی ،
 وجود داشته و یا عبارت دیگر یک نوع تشیع بالاراض پیش از صفویه در میان مردم آن نواحی
 شیوع داشته است و این محل بنا باطلاعات تاریخی که در دست داریم ، شهر شیراز که مردم آن
 در این زمان ، در تسنن تعصب خاصی داشته‌اند نمی‌تواند باشد .



آمدن حضرت علی پیش شاه خاوران برای خلاصی قنبر. جزئیات مجلس‌سازی این تصویر با تصویر ملامت کردن هرمز. از شاهنامه‌ی موزه‌ی بریتانیا قابل مقایسه است

دوم آنکه، بنا بر تصریح عبارت آخر کتاب، این نسخه برای کتابخانه‌ی یکی از خانقاه‌های فرقه‌ی مولویه نوشته شده که در این قرن، مراکز مهم آن در حدود شمال خراسان و حوالی قونیه بوده است و این شعبه از مسلک تصوف، هیچگاه در جنوب ایران و فارس پیروانی نداشته است. بنابراین این نسخه یا باید در مراکز مولویان ترکیه عثمانی نوشته و نقاشی شده باشد و یا در شهرهای خراسان و حوالی هرات، چون هیچ شباهتی از حیث خط و ربط و تذهیب و نقاشی به کتب و مینیاتورهای عثمانی ندارد، پس باید از خراسان و هرات باشد. دلیل سوم خصوصیات خود نقاشیها و مجالس است که با کتابهای نوشته شده در هرات و خراسان بیشتر شباهت دارد تا نواحی دیگر. چنانکه نقاشیهای نسخه‌ی معادل و شبیه آن یعنی شاهنامه‌ی موزه‌ی بریتانیا که شرح خصوصیات آن گذشت، در مقاله‌ی پروفیسور کونل در کتاب *Survey of Persian Art* از مکتب هرات دانسته شده که البته صحیح است، بنابراین اگر ما محل کتابت و مصور کردن شاهنامه مزبور را بدست آوریم، خود بخود محل کتابت و نقاشی خاوران‌نامه نیز دانسته خواهد شد.

در پایان مقاله، برای مقایسه و سنجش نقاشیهای این دو نسخه، دو مجلس از شاهنامه و دو مجلس از خاوران‌نامه را در برابر هم قرار میدهیم تا دانسته شود که ادعای نویسنده‌ی این گفتار، تا چه اندازه صحت دارد و به چه مناسبت و علت، نقاشیهای این شاهنامه را نیز از «فرهاد» نقاش مذکور می‌داند.